

## عنوان مقاله:

باستان شناسی شناخت بر اساس رویکردهای نظری باستان شناسی و مطالعات علوم اعصاب

## محل انتشار:

چهارمین همایش ملی باستان شناسی ایران (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

ملیحه شایسته فر - دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه بیرجند

حمیدرضا قربانی - استادیار گروه باستان شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند

محمود حیدریان - استادیار گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد

حسین کوهستانی - استادیار گروه باستان شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند

## خلاصه مقاله:

تمامی موجودات دارای شناخت هستند و در این میان تنها انسان است که به شناخت خود آگاهی دارد. شناخت یا ادراک یک فرایند کسب دانش و فهمیدن است که از طریق تفکر، تجربه و احساسات به دست می آید. از این رهگذر، انسان قادر است به واسطه ی تواناییهای شناختی اعم از تفکر، تصمیم گیری، احساسات، زبان و حافظه دنیای مادی اطرافش را بسازد. مانند آنچه هم اکنون در پیرامون خود میبینیم حاصل تواناییهای شناختی در انسان است مانند تکنولوژی، ساختارهای معماری، هنر، مکتوبات و ... فرهنگ مادی بر جای مانده از انسان ها در میان مدارک باستانشناختی، آثار تفکر و هوش انسان است. این آثار و شواهد محصول فعالیت های ذهن، فکر و آگاهی و در نتیجه اعمال و رفتار انسان هایی ست که فرهنگ مادی باستان شناسی را آفریده اند. باستان شناسی شناختی پیش از تاریخ، فرهنگهای مادی را به مثابه ذهنهایی در نظر میگیرد که به جسمیت درآمده اند. رویکردهایی که در جهت تبیین شناخت در پیش از تاریخ انسان است دامنه ی وسیعی در خصوص مسائل و موضوعات مختلف را در بر میگیرد. در این پژوهش تلاش شده است تا مفهوم شناخت در انسان را به طور کلی در چارچوبهای نظری انسان شناختی (تطورگرا) و اصول نروساینس مورد بررسی قرار دهد. هدف از پژوهش پیشرو مرور نظریات مطرح در زمینه مباحث باستان شناسی شناختی است و این موضوع را از جنبه های تطور زیستی انسان، تطور فرهنگی انسان، تطور زیست بوم انسان و نروساینس مورد بررسی و مطالعه قرار میدهد.

## کلمات کلیدی:

انسان شناسی، علوم اعصاب، گیرایش مادی، روندگرایی ادراکی، باستان شناسی شناخت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/978784>

